

آموزش توحیدمحور (عامل رفتار در انسان)

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ ﴿٧﴾ (روم/٧)
آنان به ظاهر زندگی دنیا آگاه‌اند و از آخرت بی‌خبرند

انسان‌ها بر اساس فطرت و طبیعتشان در این عالم خاکی همواره به دنبال لذت و خوشی هستند هر روز صبح که از خواب بر می‌خیزد تا شب که در تکاپو و جنب‌وجوش است در بین گزینه‌های لذت‌بخش به فراخور درک و فهمش لذت‌بخش‌ترین را انتخاب می‌کند فرد سالم را در این عالم پیدا نمی‌کنید که دنبال رنج خود باشد البته ممکن است در تشخیص لذت و خوشی و مصداق آن به خطا برود؛ ولی به‌هرحال به دنبال لذت و خوشی است که گمان کرده در آن عمل وجود دارد.

نکته دردناک این است که عموم انسان‌ها چون سطح فکر و اندیشه‌شان در سطح عالم دنیا و طبیعت و بدن لذا انتخابشان در مصادیق لذت‌آور از لذات دنیایی و حسی فراتر نمی‌رود و به دنبال افقی بالاتری نمی‌روند. تا وقتی کودک هستیم لذت و خوشی را در خوردن شیرینی‌ها و غذاها لذیذ و بازی با توپ و دویدن دنبال یکدیگر می‌بینیم، کمی که بزرگ‌تر می‌شویم لذت و خوشی ما به بازی‌های دست‌جمعی یا رایانه‌ای، مطالعه کتاب‌های رمان و تماشای فیلم‌ها و... تبدیل می‌شود و کمی که بزرگ‌تر می‌شویم تمایل به جنس مخالف و ازدواج در ما به وجود می‌آید و برای برخی آموختن علم و دانش و ارضای حس کنجکاوی و کسب در آمد و جمع مال و مدرک‌ها و مقام‌ها، لذت و خوشی زندگی است.

بیشتر انسان‌ها عمرشان را به همین منوال سپری و به همین لذت‌ها دلخوش می‌کنند. اما هر از گاهی در خلوت خود می‌نشینند و زندگی‌شان را مرور می‌کنند معمولاً حس روزمرگی و تکراری بودن به آنها دست می‌دهد و وقتی گذشته‌های خود را بررسی می‌کنند درک می‌کنند لذت‌هایی که در آغاز شیرینی فراوانی داشت دیگر آن لذت را ندارند. من که سن نوجوانی و جوانی که با داشتن یک دوچرخه شب از خوشحالی خوابش نمی‌برد الان با داشتن یک خودرو راضی نمی‌شود و برای رسیدن به مدرک‌ها و مقام‌ها و منصب‌ها تلاش می‌کند؛ اما در آخر به این سؤال قلباً بر می‌خورد که آخر چه؟ بله در برخی موقعیت‌ها حال سبکی و بهجت و سروری درون خود احساس می‌کنیم که نظیرش در هیچ خوراکی و مال و مقام و اعتباری یافت نمی‌شود. مثلاً به زیارت حضرت رضا (علیه‌السلام) که مشرف می‌شویم و به آستان‌بوسی ایشان می‌رویم این حس به انسان دست می‌دهد یا خداوند توفیق می‌دهد و در حق کسی که در مشکلات و بن‌بست‌ها گرفتار شده ایثار و از خودگذشتگی کرده و دلش را شاد می‌کنیم در تمام این موارد لذت و بهجت متفاوتی را تجربه می‌کنیم.

آموزش توحیدمحور (عامل رفتار در انسان)

نکته دیگر اینکه انسان عاقل وقتی می‌خواهد کاری انجام دهد جهت لذت بری از آن تمام ابعاد و جوانب آن را بررسی کرده و جهات حسی، عقلی فعلی و آینده آن را بررسی و در نظر می‌گیرد تا اگر برآیند آن لذت آفرین، بود آن کار را انجام دهد؛ اما مثلاً اگر عملی در حال حاضر لذت حسی داشت؛ ولی همراه با دردها و رنج‌های روحی بود یا لذت موقت داشت؛ اما منجر به درد و رنج در آینده (یا در دنیا و یا آخرت) طبیعتاً انسان به سمت آن حرکت نمی‌کند.

بنابراین، منظور از لذت، لذت برآیندی برتر است پس نتیجه اینکه (هر چه لذت برتر برآیندی است باید انجام است)

پس نتیجه اینکه تمام رفتارهای بشر باهدف رسیدن به خوشی و لذت است و انبیا و اولیا الهی آمده‌اند بگویند نهایت خوشی و آرامش در اتصال به عالم دیگر و رای این عالم دنیا است که در آنجا محدودیت وجود ندارد که از طریق نفس و روح و جنبه پایدار خودمان به آن عالم نور که اتصال به خدا دارد می‌توان رسید.

راهکار عملی کردن رفتارهای معرفتی

حال اگر بخواهیم رفتاری که برآیند آن لذت برتری حداکثری است اتفاق بیفتد باید دانست هر رفتار اختیاری متوقف بر اراده است و اراده متوقف بر شوق و به وجود آمدن شوق به سه چیز نیاز دارد.

۱. علم و آگاهی بایستی انسان آنچه را می‌خواهد انجام دهد تصور کند و تصور کند لذت آورترین چیزهاست.

۲. تذکر و یادآوری در بسیاری موارد با وجود تصدیق به فائده و لذت شوقی به وجود نمی‌آید ما بسیاری از چیزها را می‌دانیم ولی برطبق آن رفتار نمی‌کنیم مثلاً می‌دانیم غیبت کردن از دیگران بد است اما انجام می‌دهیم باید دائم انسان به آنچه می‌داند متذکر باشد و اگر از علم خود غافل شود و به آن توجه نکند باز هم کار گرچه می‌داند لذت آور است انجام نمی‌دهد مثلاً می‌دانیم که پر خوری برای جسم و روح ما مضر است اما در هنگام غذا خوردن به غفلت دچار شده و لذیذ بودن غذا برای ما موقتاً پیام می‌دهد. (لذت دارد ادامه بده)

۳. روحیه و خلق انسان، گاهی اوقات شخص ملکه جود و سخاوت دارد وقتی می‌فهمد که در موردی اتفاق کردن خوب است فوراً شوق پیدا می‌کند ولی کسی که از کودکی بخشش انجام نداده و تمرین نکرده بصورت مکرر تا این صفت تبدیل به خلق اوشود و ملکه او شود دارای ملکه بخل است لذا با اینکه می‌فهمد اتفاق در این مورد خوب است چه بسا اقدامی نمی‌کند و بخشش نمی‌کند و حتی با ساعت‌ها موعظه و تذکر و یادآوری ایثاری از او سر نمی‌زند یا با اینکه می‌داند نماز اول وقت خوب است و غفلت هم ندارد اما کشش روحی او به سمت عبادت تمایل پیدا نمی‌کند در این مرحله بایستی اولاً تصحیح فکر کرد به این معنا که بدانیم برخی از کارهای ناپسند را که لذت موقتی دارند مثل پر خوری اگر رعایت نکنیم تأثیرش محدود به همین دنیا است مثلاً انسان تنبلی کند و سر کار نرود ولی برخی کارها تأثیرگذاری ابدی دارند مثل رابطه نداشتن قلب انسان با خداوند که اگر در دنیا اتفاق نیفتد تأثیر آن تا ابد همراه انسان است لذا انسان در او شوق ایجاد می‌شود تا آن را انجام دهد.

عشق را عشقی دگر برّد مگر

دیو بر دنیا است عاشق، کور و کر